

قانون مالیات بر درآمد آرتور میلسپو

کریم سلیمانی*

جمیله عزیزخواه**

چکیده

دکتر آرتور میلسپو، مستشار امریکایی، در سال ۱۳۲۱ با دعوت دولت ایران به منظور سامان‌دادن به وضعیت آشفته اقتصاد، وارد ایران شد. او بر این باور بود که به منظور تعادل بودجه و مبارزه با تورم، باید بر درآمد کسانی که سودهای هنگفت می‌برند، مالیات فراوان وضع کرد؛ بنابراین، وی لایحه مالیات بر درآمد را به مجلس تقدیم کرد. مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۲۲، لایحه مالیات بر درآمد را طی ۲۷ بند تصویب کرد. مبنای نرخ‌های جدید، نظام مالیاتی امریکا بود، اما معافیت‌های فردی، جریمه تسلیم اظهارنامه خلاف و زیان دیرکرد، از عواملی بودند که مانع اجرای قانون جدید شدند. پرسش اساسی مقاله حاضر که با استفاده از اسناد سازمان اسناد ملی ایران، اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، مذاکرات مجلس دوره سیزدهم و چهاردهم شورای ملی ایران، روزنامه اطلاعات سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ و همچنین روش توصیف و تحلیل اطلاعات تاریخی تنظیم گردیده، این است که مفاد قانون مالیات بر درآمد تنظیم شده از سوی میلسپو چه بوده و واکنش‌های اقشار مردم نسبت به این مالیات چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: دکتر آرتور میلسپو، تعادل بودجه، تورم، سومین قانون مالیات بر درآمد ایران.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی soleimanyk@gmail.com

** کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی jazizkhah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۷

۱. مقدمه

اگرچه وضعیت اقتصادی ایران پیش از اشغال متفقین در شهریور ۱۳۲۰، رضایت‌بخش نبود، پس از اشغال و اخراج رضاشاه در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱، در مرحله سقوط قرار گرفت. به علت جنگ، واردات متوقف شد و عایدات گمرکی بسیار کاهش یافت؛ از سوی دیگر، مخارج سنگین نیروهای متفق در ایران و کمبود اقلام موردنیاز مردم، تورم شدید را به دنبال داشت. اشغال ایران و هرج و مرج ناشی از حضور نداشتن رضاشاه، جمع‌آوری هر نوع مالیات را غیرممکن می‌ساخت. پنج استان شمالی کشور که از ایالات حاصلخیز محسوب می‌شدند و معمولاً دو سوم درآمدهای مالیاتی کشور از آنها تأمین می‌شد، پس از اشغال سربازان سرخ، مقدار بسیار کمی مالیات می‌پرداختند؛ دولت مرکزی هم نفوذی در این استان‌ها نداشت تا به جمع‌آوری مالیات‌ها بپردازد. در این میان، حجم بی‌اندازه زیاد اسکناس در گردش که به دلیل تقاضای روزافزون متفقین ایجاد شده بود، ذخیره اسکناس را به کمترین مقدار خود یعنی ۲۰۰ میلیون ریال رساند و باعث شد دولت با کسر بودجه فراوانی مواجه شود. بدین ترتیب، دولتمردان ایران تصمیم گرفتند برای رفع مشکلات اقتصادی کشور، دکتر آرتور میلسپو را مجدداً استخدام کنند.^۱ مجلس دوره سیزدهم در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱، قانون استخدام میلسپو را با سمت رئیس کل دارایی تصویب کرد و وی در دی ماه ۱۳۲۱ وارد تهران شد. میلسپو در راه انجام اصلاحات خود، علاوه بر اینکه سعی کرد هزینه‌ها را کاهش دهد، اقداماتی نیز به منظور افزایش درآمد دولت انجام داد. یکی از این اقدامات، تنظیم و تقدیم لایحه مالیات بر درآمد است که سومین قانون مالیات بر درآمد در تاریخ ایران محسوب می‌شود. نخستین قانون تحت عنوان قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت در ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ به تصویب رسید و درآمد ویژه شرکت‌ها، بازرگانان، مشاغل آزاد و حقوق‌بگیران را مشمول مالیات قرار داد. دیگری قانون مالیات بر عایدات نام داشت که در آبان ۱۳۱۲ تصویب و از اول فروردین ۱۳۱۳ اجرایی شد و اگرچه در آن بین حسابداری و مالیات رابطه قانونی مشخصی برقرار شد، تبصره ماده ۱۴ آن، تصریح می‌کرد که تفتیش در دفترهای اوراق و محاسبات تجاری و شخصی برای تعیین مالیات اکیداً ممنوع است.

در مورد قانون مالیات بر درآمد میلسپو، منبعی که اطلاعات دقیقی در اختیار پژوهشگر قرار دهد، وجود ندارد. فقط، در کتاب *اقتصاد در ایران* نوشته جولیان باری‌یر، به صورت جزئی به آن اشاره شده است. کتاب‌های دیگر نظیر *بحران دموکراسی در ایران* نوشته

فخرالدین عظیمی و کتاب شترها باید بروند نوشته سر ریدر بولارد و کتاب‌های استفاده‌شده دیگر در مقاله پیش رو، فقط به انعکاس مختصر اعتراضات و عکس‌العمل‌های اقشار مردم نسبت به این قانون پرداخته‌اند. بنابراین، برای تنظیم مقاله به گردآوری و مطالعه منابع دیگری همچون روزنامه اطلاعات، اسناد و مذاکرات مجلس پرداخته‌شد. در روزنامه اطلاعات، سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳، شرح اقدامات اقتصادی میلسپو از جمله دلایل تنظیم مالیات بر درآمد درج گردیده‌است. طبق قانون استخدام ۲۱ آبان ۱۳۲۱، میلسپو باید گزارش اقدامات ماهیانه خود را در روزنامه اطلاعات منتشر می‌کرد. از گزارش‌های منتشرشده او در این روزنامه، اطلاعات مفیدی اتخاذ گردید. آن دسته از اسناد سازمان ملی ایران و اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی که مربوط به قانون مزبور می‌شد، پژوهشگر را در تنظیم و تکمیل این مقاله یاری نمود. همچنین، از مذاکراتی که مخالفان و موافقان قانون مزبور در برخی جلسات مجلس دوره سیزدهم و چهاردهم شورای ملی انجام داده‌اند، استفاده گردیده‌است. مقاله پیش رو سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مفاد قانون مالیات بر درآمد تنظیم‌شده از سوی میلسپو چه بوده و واکنش‌های اقشار مردم نسبت به این مالیات چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله پیش رو این است که به دلیل اوضاع آشفته اقتصاد ایران، تورم بالا و افزایش قیمت‌ها در طی سال‌های مورد بحث (۱۳۲۳-۱۳۲۱)، افراد تمایلی به پرداخت مالیات بر درآمد نداشتند و از آنجا که مفاد آن بر اساس قانون مالیاتی امریکا تنظیم گردیده، در ایران نمی‌توانست کامل و موفق اجرایی شود.

۲. اهداف میلسپو از تنظیم لایحه مالیات بر درآمد

در دی ماه ۱۳۲۱، میلسپو با سمت رئیس کل دارایی کشور، ریاست وزارت دارایی را برعهده گرفت. از وظایف این وزارتخانه که یکی از مهم‌ترین ارگان‌های کشور محسوب می‌گشت، تشخیص نوع و میزان مالیات و وصول و خرج آن بود (ماواخا، ش ۱۳۲۱، ک ۲/ ۲۲، پ ۵ از ۵۷). در سال ۱۳۲۱، جمع کل درآمد رسمی کشور غیر از درآمد انحصارها، ۱۷۰ میلیون تومان بود. میزان مالیات مستقیم که مخصوص طبقه تقریباً ثروتمند و متمکن کشور بوده و شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر ارث می‌شد، حدود ۳۱ میلیون تومان برآورد شد که تقریباً ۱۶ درصد درآمد کل کشور را تشکیل می‌داد؛ در صورتی که درآمد مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات راه، نفت، بنزین و مالیات چای، قند، شکر، پارچه و غیره حدود ۸۰ میلیون تومان برآورد می‌شد که ۶۰ درصد درآمد کل کشور را تشکیل

می‌داد؛ بقیه درآمدها هم از قسمت درآمدهای ملی اخذ می‌گردید. بدین ترتیب، مالیات طبقه ثروتمند اندک و طبقه کم‌درآمد زیاد بود (کمام، مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه ۲۱۳).

تهیه بودجه دولت مهم‌ترین وظیفه‌ای بود که به موجب قانون استخدام به میلیسپو محول گردید (ماواخا، ش ۱۳۲۳، ک ۴۱، پ ۴ از ۴). اهمیت تهیه و تصویب بودجه از این لحاظ بود که طرح‌های اساسی و روش‌های کلی و مقاصد دولت را برای یک سال تمام دربرداشت (اطلاعات: ۱۳۲۲/۱۰/۱۹، گزارش آبان ۱۳۲۲ رئیس کل دارایی ایران: ۱). در سال ۱۳۲۲، بودجه کشور کسری داشت و دولت نمی‌توانست وام بگیرد، زیرا ۳/۰۰۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به بانک ملی بدهکار بود. میلیسپو دو عامل مهم را دلیل تورم موجود می‌دانست: ۱. استقرار گزاف دولت از بانک ملی ایران، به دلیل کسر بودجه و هزینه‌های اضافه بر میزان درآمد کشور؛ ۲. هزینه‌های متفقین در ایران (اطلاعات: ۱۳۲۲/۱/۹، گزارش اسفند ۱۳۲۱ رئیس کل دارایی: ۱). دولت دیگر نمی‌توانست مانند سابق، از طریق مالیات‌های غیرمستقیم و افزایش بهای قند، پارچه و غیره هزینه کشور را تأمین کند؛ بنابراین، راه منحصربه‌فرد برای تأمین هزینه کشور دو چیز بود: یکی افزایش درآمد از طریق یافتن منابع درآمدی جدید و دیگری کاستن از هزینه‌های غیرضروری و صرفه‌جویی در مخارج. به دلیل افزایش هزینه زندگی در اثر جنگ، هر قدر هم که در هزینه‌های کشور صرفه‌جویی می‌شد، باز تعادل بودجه حفظ نمی‌گردید. بنابراین، تنها راه چاره از نظر او این بود که فکری برای افزایش درآمد دولت بشود و در این میان، او قانون مالیات بر درآمد را بهترین راه حل می‌دانست (مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه ۲۱۴). به طور کلی، میلیسپو از تنظیم لایحه مالیات بر درآمد ۴ هدف را دنبال می‌کرد:

۱. **مبارزه با تورم:** میلیسپو بر آن بود مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسیله مبارزه با تورم، وضع مالیات است، زیرا با وضع آن، قدرت خرید مردم پایین آمده و تقاضای اجناس کاهش می‌یافت و بدین طریق قیمت‌ها نیز ثابت می‌ماند. او متذکر شد که در کشورهایی نظیر آمریکا و انگلستان، به دلیل جنگ جهانی، مالیات‌های بسیار سنگین‌تری نسبت به قبل بر مردم تحمیل می‌شود که این اقدام توانسته از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند.

۲. **تأمین کسر بودجه دولت:** به نظر وی، به دلیل اوضاع بد اقتصادی ۱۳۲۲، دولت در عملیات مالی سال ۱۳۲۳ خود، با کسر بودجه مواجه می‌شد و چنانچه این کسر بودجه تأمین نمی‌شد، به ورشکستگی منجر می‌گشت که این امر موجب ناتوانی دولت در پرداخت حقوق کارمندان و سایر وام‌ها می‌شد. برای تأمین کسر بودجه، فقط دو راه وجود داشت:

یکی گرفتن وام از بانک مرکزی و دیگری وضع مالیات بیشتر. اگر برای تأمین کسر بودجه دولت، تنها به گرفتن وام اکتفا می‌شد، میزان تورم افزایش می‌یافت مگر اینکه پس از اخذ وام، اثر تورم با اقدام به افزایش مالیات‌ها خنثی می‌شد.

۳. توزیع بار مالیات: هدف دیگر وی از اخذ مالیات بر درآمد، توزیع عادلانه بار مالیات بود. وی بر آن بود که مالیات‌های وضع شده فعلی ایران، به طور بی‌تناسبی بر طبقات فقیر و متوسط تحمیل می‌شود و صاحبان املاک اصولاً مالیات پرداخت نمی‌کنند.

۴. فراهم کردن هزینه اصلاحات اجتماعی: به نظر او، اگرچه برخی از افراد متمول با کمال سخاوت در مؤسسات خیریه شرکت می‌کردند، شکی نبود که خدمات اجتماعی مهم و بزرگ باید توسط دولت و پشتیبانی مالیات انجام می‌گرفت؛ بنابراین، هزینه این خدمات باید از طریق مالیات‌هایی تأمین می‌شد که بیشتر آنها را طبقه اغنیا و متمولان پرداخت می‌کردند (اطلاعات ۱۳۲۲/۸/۲۲، گزارش شهریور ۱۳۲۲، رئیس کل دارایی: ۱).

در این میان، هدف اصلی میلسپو از تهیه و تنظیم قانون یادشده که طرح آن را تهیه و به دولت تقدیم کرد، کسب درآمد بیشتر برای دولت و جمع‌آوری مقداری از اسکناس‌ها بود. طبق پیش‌بینی او، با اجرای موفق این طرح نتیجه مهمی در تثبیت قیمت‌ها حاصل می‌گشت. این لایحه به گونه‌ای تهیه شده بود که با خرید اوراق بهادار و بازکردن حساب ثابت در بانک‌ها، مردم به پس‌انداز تشویق شده و زارعان و مالکان زمین ترغیب می‌گشتند که سرمایه‌های خود را در توسعه زراعت به کاراندازند و صاحبان کارخانه‌ها نیز سرمایه خود را برای گسترش و تکمیل کارخانه‌ها به‌کاربرند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۳/۲: ۱).

۳. مفاد قانون مالیات بر درآمد

بر اساس قانون ۲۱ آبان، میلسپو این اختیار را داشت که وضعیت مالی ایران را بررسی کند و راجع به مالیات و موازنه بودجه، عملیات بانکی، گمرکی، بازرگانی و سایر امور اقتصادی، هر طرحی را که لازم می‌داند به دولت پیشنهاد داده و اجرا کند (ماواخا، ش ۱۳۲۱، ک ۲۲، پ ۷ از ۵۷). اما از آنجا که او اختیارات خود را در مواجهه با مشکلات ناکافی می‌دانست، از مجلس اختیارات بیشتری تقاضا کرد. بدین ترتیب، در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲، از سوی نمایندگان مجلس دوره سیزدهم شورای ملی اختیارات وسیعی به وی برای اداره اقتصاد کشور با هدف کاهش و تثبیت قیمت‌ها داده‌شد (ماواخا، ش ۱۳۲۳، ک ۵۲، پ ۱ از ۴۱). تقریباً سه هفته بعد از تصویب اختیارات ۱۳ اردیبهشت، میلسپو لایحه مالیات بر درآمد را به

مجلس شورای ملی تقدیم کرد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۴-۱۱۵) که طی آن، موارد مشمول پرداخت مالیات عبارت بودند از: ۱. سود حاصل از فعالیت هر نوع شرکت و بنگاه یا مؤسسه؛ ۲. سود حاصل از هر نوع فعالیت بازرگانی و تجاری؛ ۳. سود حاصل از هر نوع خرید و فروش کالا؛ ۴. درآمد سالیانه کسب شده از فعالیت اقتصادی در ایران برای هر شخص ایرانی که مقیم کشورهای خارجی بود؛ ۵. درآمدهای حاصله اشخاص مقیم ایران، چه این درآمدها از منابع داخلی و چه از منابع خارجی کسب می شد (ساکما: ۲۴۰۰۲۵۹۲۰)؛ همچنین، در این قانون مقرر شده بود که کارمندان و کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس باید نسبت به درآمدهای خود مالیات بپردازند (ساکما: ۲۴۰۰۰۳۸۳۴). به موجب ماده ۲ قانون مالیات بر درآمد ۱۳۲۲، وزارت دارایی مکلف بود آیین نامه مربوط به این مالیات را تهیه و به اجرا درآورد (کمام: مذاکرات مجلس چهاردهم، جلسه ۲۲). در این نظام مالیاتی، اشخاصی که در سال کمتر از ۱۲۰۰۰ ریال درآمد کسب می کردند، از پرداخت مالیات معاف بوده و کسانی که بیش از این مبلغ درآمد داشتند، از بخشودگی های زیر برخوردار می شدند (کمام: مذاکرات مجلس سیزدهم، جلسه ۲۱۷):

طی این طرح، کلیه مؤدیان مالیاتی از بخشودگی به میزان ۶۰۰۰ ریال برخوردار شده و اشخاص متکفل و متأهل نیز از معافیت دیگری به میزان ۴۰۰۰ ریال برخوردار گشتند. همچنین، برای هر شخص زیر ۱۸ سال، معافیت دیگری به میزان ۳۰۰۰ ریال تعیین گردید. ۱۰ درصد درآمد حاصل از حقوق، مستمری و فوق العاده ها از پرداخت مالیات معاف شده و هیچ گونه مالیاتی تا میزان ۵۰ درصد مبلغ، بر مبالغی که در حساب های پس انداز و سپرده های ثابت و سهام دولتی ذخیره می شد، تعلق نمی گرفت و نیز وجوهی که به عنوان بیمه عمر از طرف شرکت های بیمه عمر به افراد پرداخت می شد، از مالیات معاف گشت (اطلاعات، ۱۳۲۲/۸/۱۲: ۴). از سوی دیگر، مبالغی که افراد به عنوان حقوق بازنشستگی یا حقوق پایان خدمت کارمندان دولت دریافت می کردند، مشمول پرداخت مالیات نمی گشت. در مورد شرکت ها نیز این چنین مقرر شد که در هنگام احتساب درآمد مشمول مالیات، مبلغی معادل ۱۲ درصد از سرمایه کسب شده آنها کسر گردد. همچنین، ۵۰ درصد درآمد املاک زراعی از پرداخت مالیات معاف گشت، با این شرط که ۲۵ درصد درآمد کشاورزی هر ملک در همان سال، برای آبادی و اصلاحات اساسی آن ملک از قبیل آبیاری، رسیدگی به ساختمان خانه های رعیتی، احداث باغات و رسیدگی به زمین های بایر، مصرف شود (ساکما: ۲۴۰۰۲۵۹۲۰).

طی این لایحه، اشخاص و مواردی که از پرداخت مالیات معاف شدند، عبارت بودند از: ۱. سفیرهای کبیر و وزرای مختار و سایر نمایندگان سیاسی خارجی که دولت ایران سمت آنها را به رسمیت می‌شناخت؛ ۲. کنسول‌ها و نمایندگی‌های کنسولی و کارمندان سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی، نسبت به درآمدی که خارج از ایران به دست می‌آوردند، از پرداخت مالیات معاف شدند؛ مشروط بر اینکه دارای تابعیت دولتی بوده که نماینده آن هستند و دولت ایران سمت آنان را تأیید می‌کرد؛ ۳. کارمندان سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دولت شاهنشاهی ایران در کشورهای دیگر، مشروط بر اینکه دارای تابعیت دولت خارجی می‌بودند؛ ۴. کلیه کسانی که درآمد سالیانه آنها مجموعاً ۱۲۰۰۰ ریال یا کمتر از آن مبلغ بود؛ ۵. مستشاران امریکایی که در ایران مشغول به کار بودند، زیرا گفته می‌شد که این افراد به دعوت دولت ایران و برای خدمت و سروسامان دادن به اوضاع کشور استخدام شده‌اند؛ پس، گرفتن مالیات بر درآمد از آنان ضرورتی ندارد؛ ۶. آن دسته از کارمندان دولت که عایله‌مند بوده و حقوق کارمندی به هیچ وجه جوابگوی نیازهای آنان نبود، تا زمانی که حقوقشان افزایش می‌یافت، از پرداخت مالیات معاف بودند؛ ۷. رعایای املاک اربابی و خالصجات؛ ۸. موقوفات آستان قدس رضوی، مسجد گوهرشاد، آستانه حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم، شاه نعمت‌الله ولی، شاهچراغ، مدرسه عالی سپهسالار، املاک و مؤسسات هلال‌احمر و موقوفاتی که به مصرف امور خیریه و عام‌المنفعه می‌رسید؛ از قبیل بیمارستان، کودکانستان، پرورشگاه، آموزشگاه‌ها و نظایر آن؛ ۹. کارگران، زارعان و خرده‌مالکان. طبق قانون مالیات بر درآمد سابق، بالاترین میزان مالیات نسبت به بیشترین درآمدها، فقط ۲۰ درصد بود، اما در قانون جدید، این میزان به ۸۰ درصد افزایش یافت و این مقدار را باید اشخاصی پرداخت می‌کردند که درآمد مشمول مالیات آنها ۵۰۰۰۰۰ ریال یا بیشتر بود (ساکما: سند شماره ۲۴۰۰۲۵۹۲۰).

طبق این قانون، کلیه مؤدیان مالیاتی موظف به تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی بودند. افراد باید پس از درج اقلام درآمدهای کسب‌شده در سال ۱۳۲۲، اظهارنامه مالیاتی خود را به اداره دارایی محل کار خود تسلیم می‌کردند. اشخاصی هم که محل کار دائمی نداشتند، موظف بودند اظهارنامه خود را به اداره درآمد داخلی تهران تحویل دهند. این قانون از اول فروردین ۱۳۲۳ قابل اجرا بود و طی آن، برخی از مالیات‌ها از قبیل مالیات مستغلات و مالیات صدی سه^۲ لغو گردید (همان: ۱۲) و برای نخستین بار در تاریخ ایران، مجموع انواع درآمدها در یک شخص، پس از کسر حداقل بخشودگی‌ها، تابع یک نرخ مالیاتی قرار گرفت (اطلاعات، ۱۳۲۲/۸/۲۳، گزارش شهریور ۱۳۲۲: ۱).

به طور کلی، در این قانون سه طبقه وجود داشت: طبقه متمول، که درآمد بالایی داشتند و مفاد قانون مذکور بیشتر شامل آنان بود؛ طبقه دوم، کسانی بودند که درآمد کمی داشته و حداکثر مالیات آنان صدی پنج بود؛ در طبقه سوم، برای مقدار مالیات پرداختی افراد، میزانی از معافیت‌ها تعیین شده بود که از آن کسر می‌شد و در واقع خیلی کم اتفاق می‌افتاد که افراد در آن مشمول مالیات گردند. مبنای نرخ‌های جدید، نظام مالیاتی امریکا بود و با اقتباس از قانون مالیاتی امریکا وضع گردید که طبق آن، حداکثر نرخ مالیاتی نسبت به مجموع درآمدها، به ۸۰ درصد افزایش داده شد و نیز مجموع درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه منابع درآمدی، پس از کسر انواع بخشودگی‌ها و معافیت‌ها، مشمول مالیات گردید. مهم‌ترین جنبه غیرعملی این قانون، تسلیم اظهارنامه مجموع درآمدها بر اساس مدارک و اسناد حسابداری توسط مؤدیان بود که در اکثر مواقع به صورت صحیح تنظیم نمی‌شد. معافیت‌های فردی، مالیات تفاوت خرید و فروش دارایی‌ها، ارزیابی موجودی‌ها، جریمه تسلیم اظهارنامه خلاف، زیان دیرکرد و بسیاری از موارد دیگر از جمله عواملی بودند که مانع اجرای آن شدند. این قانون هیچ‌گاه کامل و دقیق به اجرا درنیامد و دولت به‌ناچار در سال ۱۳۲۵، مقررات آن را لغو کرد و همان قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۱۲ و اصلاحیه‌های پس از آن را به اجرا گذاشت، با این تفاوت که نرخ‌های تصاعدی از ۳ تا ۳۰ درصد تعیین و میزان معافیت‌ها افزایش داده شد (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۱۰۷).

۴. مخالفت‌ها علیه قانون مالیات بر درآمد

میلسپو در دوره نخست مأموریت خود (۱۳۰۱-۱۳۰۶) (میلسپو، بی‌تا: ۱) با سیمت رئیس کل مالیه ایران، به مدت ۵ سال خدمات مفیدی انجام داد. ایران مانند کشورهای نظیر ترکیه و مصر برای توازن بودجه خود در سال‌های جنگ جهانی اول، دچار مشکل شده بود. شهرستان‌های دوردست در مقابل پرداخت مالیات مقاومت می‌کردند و در پایتخت، اشخاص بانفوذ حتی راضی به پرداخت قسمت کوچکی از مالیات خود نبودند (همان: ۹). در این دوره، میلسپو نظام مالیاتی را به میزان قابل ملاحظه ای منطقی کرد؛ به طوری که در سال ۱۳۰۹، درآمدهای حاصل از مالیات‌های غیرمستقیم، عمدتاً از مالیات بر کشتار دام در شهرها، مالیات بر مشروبات الکلی، مالیات بر نفت سفید مصرفی و عوارض پلاک‌گذاری وسایل نقلیه به‌دست آمد (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۱۰۶). او قسمتی از مالیات‌های غیرقانونی و غیرمنصفانه، از قبیل حق راهداری را که در دروازه شهرها گرفته می‌شد، حذف و برای

افزایش درآمد، قوانین جدید وضع کرد و در مخارج زاید نیز صرفه‌جویی نمود. روزی که دکتر میلسپو ایران را ترک کرد (۱۳۰۶)، موجودی خزانه ۱۷۶/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال بود (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۲۱). وی در طول خدمت خود توانسته بود مقدار زیادی از مالیات‌های عقب‌افتاده برخی خوانین و ثروتمندان را دریافت کند (مکی، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۷۹). او در دوره دوم مأموریت خود در ایران، مجدداً این سیاست را دنبال کرد و از برخی صاحب‌منصبان و کارمندان دولت که به وزارتخانه‌ها و بنگاه‌های بهره‌برداری و مؤسسات بازرگانی دولت بدهکار بودند، درخواست کرد تا وام‌های خود را بپردازند (سند شماره ۲۸۵۷۲/۲۴۰۰). در این راستا، او خطاب به کارمندانی که در دوره‌های قبل، از صندوق وام دولت استفاده کرده بودند، دستوری صادر کرد مبنی بر اینکه آنان باید اقساط وام‌های خود را پرداخت کنند (ماواخا، ش ۱۳۲۱، ک ۲۱، پ ۱ از ۱۱). در واکنش به این دستور، برخی از کارمندان دولت به‌خصوص کارمندان بانک ملی ایران، فعالیت‌های تبلیغاتی گسترده‌ای علیه اقدامات میلسپو ترتیب دادند. آنان نسبت به قانون مالیاتی میلسپو، سیاست پولی و همچنین دخالت‌های او در امور بانک ملی اعتراض داشتند (ساکما: ۲۴۰۰۱۰۴۳۴).

انتشار لایحه مالیات بر درآمد، مخالفت نمایندگان و قشرهای سرمایه‌دار را در پی داشت و بازار تهران و تبریز در اعتراض به آن بسته شد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۴). در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۲۲، دکتر میلسپو به رئیس دولت نامه شکایت‌آمیزی نوشت و در آن، به دلیل اینکه با گذشت ۱۷ ماه از تقدیم لایحه مذکور و با وجود کسر فاحش بودجه، مجلس برای تصویب لایحه استخدام مستخدمین امریکایی و لایحه بودجه و لایحه مالیات بر درآمد اقدامی انجام نمی‌دهد، کار خود را در ایران تمام‌شده دانسته و تهدید کرد که اگر تا ۱۰ آبان، مجلس اقدامات لازم را انجام ندهد، وی استعفا خواهد داد (اطلاعات، ۱۳۲۲/۷/۲۴: ۱).^۲ او در این نامه نوشته بود که چون مجلس شورای ملی وسایلی در اختیار وی نگذاشته که بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، قرارداد کاری خود را با دولت ایران خاتمه یافته می‌بیند. وی، در اشاره به لزوم و فواید قانون مالیات بر درآمد، آن را قسمتی از نقشه‌ای معرفی کرده بود که برای افزایش حقوق کارمندان دولت در نظر گرفته شده است (اطلاعات، ۱۳۲۲/۷/۲۶: ۱).^۳

میلسپو مدتی پس از ورود به ایران، اعلام کرد که برای اجرای مسئولیت‌های فراوان خود به تعداد بیشتری همکار امریکایی نیاز دارد، زیرا بر آن بود که با توجه به کیفیت و طرز کار کارمندان ایرانی، نمی‌شد کارها را به آنها سپرد و بیشترین موفقیت یا ناکامی هیئت، به

پرسنل آن بستگی داشت. بدین منظور، وی لایحه استخدام شصت نفر امریکایی را تنظیم و به دولت تقدیم کرد (میلپو، ۱۳۷۰: ۹۰). اما، به دلیل اوضاع بد اقتصادی، دولت نمی‌توانست این لایحه را تصویب و اجرایی کند. به دنبال نامه اولتیماتوم ۲۱ مهر وی،^۴ مجلس شورای ملی لایحه استخدام شصت نفر امریکایی را در تاریخ ۱ آبان ۱۳۲۲ تصویب کرد. طبق این قانون، به وزارت دارایی اجازه داده شد با پیشنهاد رئیس کل دارایی، تعداد ۶۰ نفر از اتباع امریکایی را که شامل افراد استخدام‌شده فعلی نیز می‌شدند، در قسمت‌های مختلف اداری که زیر نظر وزارت دارایی و رئیس کل دارایی بودند، استخدام کند. حقوق این اشخاص، سالیانه از ۳۵۰۰ تا ۱۲۵۰۰ دلار بوده و از مالیات بر درآمد ایران نیز معاف بودند (ساکما: سند شماره ۱۶۴۹۰/۲۴۰۰). مدت خدمت هریک از این افراد، چهار سال و تاریخ شروع کارشان، از روز حرکت آنان از امریکا محسوب می‌شد (لنچافسکی، ۱۳۵۱: ۳۳۱).

اگرچه به دنبال نامه مذکور، لایحه استخدام شصت نفر امریکایی تصویب شد، به‌نظر می‌رسید که در حال حاضر تصویب لایحه مالیات بر درآمد امکان‌پذیر نباشد. سهیلی، نخست‌وزیر وقت، از وی تقاضا کرد که فرصت تعیین‌شده را یک هفته دیگر یعنی تا ۱۸ آبان تمدید کند؛ همچنین، محمدرضا پهلوی به او اطمینان داد که به‌زودی قانون مزبور از مجلس خواهد گذشت. شاه مستقیماً به هیئت مالی میلپو ابلاغ کرد که آنها باید تا ۲۰ آبان ۱۳۲۲ در خدمت باقی بمانند و میلپو نیز اوامر شاه را اطاعت کرد (اطلاعات، ۱۳۲۲/۸/۱: ۱). در آغاز، شاه از قانون مالیات بر درآمد حمایت می‌کرد. وی در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۲۲، گروهی مرکب از حدود بیست نفر از نمایندگان مجلس دوره سیزدهم شورای ملی را به کاخ مرمر احضار کرد و پس از تشکر از اقدامات آنان، به ایشان توصیه کرد که روند قانون‌گذاری را شتاب بخشیده، لوایحی را که میلپو تقدیم کرده، هرچه زودتر تصویب و با وی همکاری کنند (اطلاعات ۱۳۲۲/۸/۳۰: ۱). این کار به نظر بولارد (Boulard)، وزیرمختار سفارت انگلیس در تهران، اقدامی تحسین‌برانگیز و کاملاً قانونی بود که بدون شک به تصویب لایحه مربوط به استخدام تعداد بیشتری امریکایی در روز ۱ آبان کمک کرد. همچنین، باعث شد مدتی بعد لایحه مالیات بر درآمد تصویب شود. اما، شاه و نظامیان به تدریج خود را با مستشاران امریکایی که با برنامه‌های مربوط به توسعه ارتش مخالف بودند، در تعارض یافتند، زیرا شخص میلپو از تأیید و تأمین منابع مالی بیشتر برای برنامه‌های ارتش خودداری می‌ورزید (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۷).

دکتر مصدق بر آن بود این قانون حس تولید را از بین برده و فساد اخلاقی را بین تمام

طبقات رواج می‌دهد و در نتیجه چیزی هم عاید دولت نمی‌شود، زیرا شخصی که در پی معامله پرسودتر باشد، سعی می‌کند اظهارنامه نادرست تکمیل کند تا بدین طریق بتواند جنس خود را به دولت کم فروخته و باقی را در بازار آزاد معامله کند و نیز ممکن بود اشخاص ثروتمند برای فرار از این مالیات، سرمایه خود را به کشورهایی که این نوع قوانین در آنها وجود ندارد، منتقل کنند (کی استوان، ۱۳۲۷: ۱/ ۹۱). دکتر عبده نیز بر این نظر بود که این قانون مطابق با وضعیت ایران نیست، زیرا اگرچه اختلاف طبقاتی بین افراد زیاد بوده و باید مالیات متناسبی بر آن بسته می‌شد، قانون پیشنهادی تقلب و اغتشاش را در کشور افزایش می‌دهد (عبده، ۱۳۶۸: ۲/ ۱۰۴۳). به نظر برخی از نمایندگان، میلسپو برای وضع قانونی اصرار و پافشاری می‌کرد که مفاد آن با مقتضیات کشور وفق نمی‌کرد و اشکالات وصول آن با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر کشور فراوان بود؛ همچنین، این قانون قوای مولد کشور و مخصوصاً کشاورزی را متزلزل می‌ساخت و با لغو بی‌مطالعه مالیات‌های سابق، کسر بودجه افزایش یافته و در نتیجه این سوء اداره، ایران ناچار می‌شد دست کمک به سوی کشورهای دیگر دراز کند (کمام، مذاکرات مجلس چهاردهم: جلسه ۳۱). عده‌ای نیز بر آن بودند که میلسپو با اجرای قانون پیشنهادی خود، به دشمنانش در داخل و خارج مجلس نان قرض می‌دهد، زیرا آنها به این مالیات اهمیتی نمی‌دادند؛ چون می‌دانستند که قادر خواهند بود از پرداخت آن خودداری کنند. به طور کلی، سیاست اخذ مالیات بر درآمد را باید برای او یک شکست تلقی کرد (اسکراین، ۱۳۶۳: ۴۵۶). این لایحه، قانونی مترقی و قابل‌تمجید بود، اما در شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران نمی‌توانست مورد اجرا درآید. پیش از تصویب، بولارد پیش‌بینی کرده بود که این قانون عکس نتایج مورد نظر را به دنبال خواهد آورد، زیرا بر دستگاه اداری، تأثیراتی زیانبار گذارده و روابط عرفی حاکم بر معاملات دولت را با تجار محلی که بر اعتماد متقابل تکیه داشت، برهم خواهد زد. به نظر بولارد، با آنکه لایحه مزبور، میزان افزایش قیمت‌ها را نصف می‌کرد، باعث می‌شد صاحبان کالا نخواهند کالاهای خود را به بازار سرازیر کنند و نیز مالکانی را که حاضر به بستن قرارداد فروش گندم با دولت بودند، دچار بیم و هراس می‌کرد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۱۶).

در ایران، برقراری مالیات‌های سنگین در مورد افراد ثروتمند، یکی از مواردی بود که می‌توانست تورم را مهار کند، ولی اجرای این روش به دلیل آنکه با عادات و رسوم ایرانیان مغایرت داشت، قابل‌اجرا نبود؛ در حالی که در مقایسه با مالیات مردم در انگلستان و امریکا، بسیار اندک بود. میلسپو توانست آن را با فشار و به‌رغم مشکلات فراوان از تصویب مجلس

بگذراند، اما مشاهده کرد که درآمد حاصل از آن بسیار ناچیزتر از مقدار مورد انتظار بوده است (بولارد، ۱۳۶۲: ۹۳).

در تهران و شهرستان‌ها، عده‌ای برای فرار از این مالیات و مازاد غله، علیه وزارت دارایی و هیئت امریکایی تحریکاتی انجام می‌دادند و با تحریک شوروی‌ها چندین راهپیمایی در شمال کشور روی داد (ساکما: ۲۴۰۰۳۰۸۵۴). انتشار این لایحه در اصفهان نیز انعکاس منفی به دنبال داشت و به دلیل شکایت و تحریکات کارخانه‌داران ثروتمند، تظاهرات چندی علیه هیئت مالی و لایحه جدید صورت گرفت. عده‌ای از تجار اهل اصفهان نامه‌ای در اعتراض به این قانون، به مجلس نوشته و طی آن عنوان کردند که مردم اصفهان در زمان رضاشاه، در پرداخت مالیات‌های کمرشکن سهم عمده‌ای داشتند، اما از اصلاحات آن دوره بی‌بهره بودند و از دولت جدید انتظار داشتند که تاحدی از سنگینی بار مالیات بر دوش آنان بکاهد، ولی با طرح جدیدی که از طرف دولت با نام مالیات بر درآمد تقدیم مجلس شده، روبه‌رو شده‌اند. آنان از دولت و مجلس تقاضا کردند که با رعایت عدالت، از تصویب آن خودداری کنند (ساکما: ۲۹۱۰۰۰۱۶۳). اما با تمام این مخالفت‌ها، در نتیجه اصرار میلسپو، این لایحه پس از کمیسیون‌های زیاد، به دولت پیشنهاد شد و دولت هم بلافاصله آن را تقدیم مجلس شورای ملی کرد و کمیسیون قوانین دارایی مجلس نیز مذاکرات بسیاری در مورد آن به عمل آورد که پس از ایجاد تغییراتی اندک، مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۲۲ آن را تصویب کرد (اطلاعات، ۱۳۲۲/۸/۱۹: ۱).

در این میان، موافقان نظام مالیاتی مذکور بر آن بودند که مالیات مستقیم از هر نوع مالیاتی به عدالت نزدیکتر است، زیرا طبق این قانون، از هرکس همان مقدار مالیات دریافت می‌شود که توانایی آن را دارد؛ اما در مالیات غیرمستقیم، بار مالیات بیشتر به کشاورزان و کارگران و طبقه بی‌بضاعت تحمیل می‌شود، زیرا وقتی مالیات از قند، شکر، پارچه و غیره دریافت گردد، مالیات از یک فرد ثروتمند و کارگر که از این کالاها استفاده می‌کنند، به یک اندازه گرفته می‌شود و این عادلانه نیست (کمام، مذاکرات مجلس چهاردهم، جلسه ۳۷).

۵. نتیجه‌گیری

به دلیل وضعیت آشفته اقتصاد در دوران اشغال ایران توسط متفقین، دکتر میلسپو در دی ماه ۱۳۲۱، در صدر هیئتی به منظور اصلاح اوضاع مالی، وارد تهران شد. او به منظور انجام اصلاحات خود، برای کاهش هزینه‌های دولت اقداماتی انجام داد، اما به دلیل جنگ و تورم

بالا، کاهش هزینه‌ها امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، می‌لسپو به فکر افزایش درآمد دولت افتاد. به نظر او، بهترین راه حل این مشکل، وضع مالیات جدید در داخل کشور بود تا از طریق آن، بر درآمد افراد ثروتمند مالیات فراوانی بسته‌شود. به‌رغم تمامی مخالفت‌ها، سرانجام بر اثر پافشاری وی، قانون مالیات بر درآمد در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۲۲ تصویب شد. در نظام مالیاتی می‌لسپو، حداکثر نرخ مالیاتی نسبت به مجموع درآمدها، به ۸۰ درصد افزایش داده‌شد. مبنای نرخ‌های تعیین‌شده این قانون، نظام مالیاتی امریکا بود که در آن مجموع درآمد افراد پس از کسر انواع بخشودگی‌ها و معافیت‌ها، مشمول مالیات می‌شد. در این قانون، گروهی که موظف به پرداخت بالاترین میزان مالیات می‌شدند، اشخاصی بودند که بالاترین درآمد را داشته و مفاد این قانون بیشتر شامل آنان بود و افرادی که در سال، کمتر از ۱۲۰۰۰ ریال درآمد کسب می‌کردند، از پرداخت مالیات معاف بودند، اما برای کسانی که بیش از این مبلغ درآمد داشتند، میزانی از بخشودگی تعیین‌شده بود که از درآمد آنان کسر می‌شد.

پس از اینکه لایحه این قانون تنظیم و به دولت تقدیم شد، تجار و افراد ثروتمند اعتراضات فراوانی کرده و پس از تصویب آن، همکاری لازم را نداشتند. کوشش می‌لسپو برای افزایش مالیات‌ها، دلیل عمده مخالفت‌ها علیه وی بود. طبق قانون مالیات بر درآمد مصوب سال ۱۳۱۲، نرخ مالیات برای بالاترین حقوق‌ها، تنها ۲۰ درصد بود، اما می‌لسپو به‌رغم وضعیت آشفته اقتصاد ایران، آن را یکباره به ۸۰ درصد افزایش داد. در ایران، برقراری مالیات‌های سنگین در مورد افراد ثروتمند، یکی از مواردی بود که می‌توانست تورم را مهار کند، ولی اجرای این روش به دلیل آنکه به شیوه نظام مالیاتی امریکا تنظیم شده و با عادات و رسوم ایرانیان مغایرت داشت، قابل اجرا نبود. اگرچه این قانون در مقایسه با مالیات مردم در برخی کشورها بسیار اندک می‌نمود، درآمد حاصل از آن بسیار ناچیزتر از مقدار مورد انتظار بود. مهم‌ترین جنبه غیرعملی این قانون در ایران، تسلیم اظهارنامه مجموع درآمدها بر اساس مدارک و اسناد حسابداری توسط مؤدیان بود که در اکثر مواقع به صورت صحیح تنظیم نمی‌شد و بسیاری از افراد درآمد واقعی خود را آشکار نساخته و اظهارنامه خلاف واقعیت را تسلیم می‌کردند که از روی آنها نمی‌شد مالیات درستی مشخص کرد؛ در این میان، مدارکی هم که درآمد واقعی افراد را مشخص می‌کرد، وجود نداشت. معافیت‌های فردی موجود در این قانون هم موجب شد که درآمد حاصل از این مالیات ناچیز باشد؛ جریمه تسلیم اظهارنامه نادرست، جریمه برای مالیات‌هایی که دیر پرداخت می‌شدند و بسیاری از موارد دیگر از جمله عواملی بودند که موجب شدند این قانون هیچ‌گاه کامل و دقیق به اجرا درنیاید.

پی‌نوشت

۱. کوتاه نوشته‌های متن نشانگر مراکز زیر می‌باشند:
ساکما: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
کمام: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
ماواخا: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران.
۲. میلیسپو از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ ش، با عنوان رئیس کل مالیه، در ایران خدمات اقتصادی مؤثری انجام داده بود.
۳. این مالیات از مالکان دریافت می‌شد، ولی اکثر مالکان می‌توانستند به راحتی از پرداخت آن شانه خالی کنند. بنابراین، اکثراً مصرف‌کنندگان محصولات این مالیات را پرداخت می‌کردند.
۴. عنوانی که به نامه نوشته شده از سوی میلیسپو داده شده بود.

منابع

- اسکراین، سرکلارمونت (۱۳۶۳). *جنگ‌های جهانی در ایران*، ترجمه حسین فراهانی، ج ۱، تهران: نوین.
- باری‌پر، جولیان (۱۳۶۳). *اقتصاد در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی.
- بولارد، سرریدر (۱۳۶۲). *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۱ آبان)، ش ۵۳۰۳، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۱۲ آبان)، ش ۵۳۱۲، ص ۴.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۱۹ آبان)، ش ۵۳۱۸، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۱۹ دی)، ش ۵۳۶۶، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۲ خرداد)، ش ۵۱۷۷، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۲۳ آبان)، ش ۵۳۲۱، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۲۴ مهر)، ش ۵۲۹۷، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۲۶ مهر)، ش ۵۲۹۹، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۳۰ آبان)، ش ۵۳۳۲، ص ۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲، ۹ فروردین)، ش ۵۱۳۱، ص ۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۱۰۴۳۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۲۵۹۲۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۲۵۹۲۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۲۸۵۷۲.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۳۰۸۵۴.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: سند شماره ۲۴۰۰۳۸۳۴.

عاقلی، باقر (۱۳۷۷). *میرزااحمدخان قوامالسلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی*، تهران: جاویدان.

عبده، جلال (۱۳۶۸). *چهل سال در صحنه، ویرایش و تنظیم: مجید نفرشی*، ج ۲، تهران: رسا.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲). *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره سیزدهم شورای ملی*، جلسه ۲۱۳، تاریخ ۱۳۲۲/۸/۱۰.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره سیزدهم شورای ملی*، جلسه ۲۱۴، تاریخ ۱۳۲۲/۸/۱۲.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره سیزدهم شورای ملی*، جلسه ۲۱۷، تاریخ ۱۳۲۲/۸/۱۸.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره چهاردهم شورای ملی*، جلسه ۲۲، تاریخ ۱۳۲۳/۲/۳.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره چهاردهم شورای ملی*، جلسه ۳۱، تاریخ ۱۳۲۳/۳/۲.

کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: *مذاکرات مجلس دوره چهاردهم شورای ملی*، جلسه ۳۷، تاریخ ۱۳۲۳/۳/۲۸.

کی استوان، حسین (۱۳۲۷). *سیاست موازنه منفی*، ج ۲، تهران: تابان.

لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۱). *سی سال رقابت غرب و شوروی در ایران*، ترجمه حورا یاوری، تهران: ابن سینا.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۳۲۱، کارتن ۲۲/۲، پرونده ۵ از ۵۷.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۱ از ۱۱.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۳۲۳، کارتن ۴۱، پرونده ۴ از ۴.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۳۲۳، کارتن ۵۲، پرونده ۱ از ۴۱.

مکی، حسین (۱۳۷۴). *تاریخ ۲۰ ساله ایران*، تهران: علمی.

میلسپو، آرتور چستر (۱۳۷۰). *آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.

میلسپو، آرتور چستر (بی تا). *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، تهران: پیام.

